

# باختر امروز

مؤسس : شادروان دکتر سید حسین فاطمی  
نشریه : سازمانهای جبهه ملی ایران در خارج از کشور  
( بخش خاورمیانه )

(( جریده باختر امروز ))  
نشره  
منظمت الجبهه الوطنیه الایریانیة  
فی الشرق الاوسط  
تصدر نصف شهریه  
العدد العاشر السنة الاولی  
المرحله الرابعه  
۲۰ اذار ۱۹۷۱

## شماره مخصوص

۲۹ اسفند امسال مصادف با بیست و یکمین سالروز ملی شدن صنایع نفت در سراسر کشور میباشد . ما برای اطلاع یافتن هم میهنان عزیز مقیم خاورمیانه از وقایع زمان ملی شدن نفت ، متن کامل نقش معروفی را که دکتر مصدق در شب ۲۹ اسفند ۱۳۳۱ از رادیو تهران ایراد نمود یک بار دیگر در باختر امروز درج می نماییم .  
ضمناً موقع را غنیمت شمرده عید سعید نوروز را به کلیه هم میهنان عزیز تهنیت گفته . در سال نو مبارزه‌ای نو را بر علیه حکومت دست نشانده شاه ایران آرزو مندیم .

۲۹ اسفند ۱۳۴۹

دوره چهارم

شماره ۱۰ سال اول



« ... اگر ملی شدن صنعت نفت خدمت بزرگی است که به مملکت شده باید از آن کسی که اول این پیشنهاد را نمود سپاسگزاری کرد و آن کس شهید راه وطن دکتر حسین فاطمی است که روزی در خانه جناب آقای نریمان پیشنهاد خود را داد و عده نمایندگان جبهه ملی حاضر در جلسه آنرا با اتفاق آراء تصویب نمودند . رحمت الله علیه که در تمام مدت همکاری با این جانب حتی يك ترك اولی هم از آن بزرگوار دیده نشد . »

دکتر مصدق

### قرارداد ۱۹۳۳ چه بود؟

باتصویب قانون ملی شدن صنعت نفت در سراسر کشور قرارداد تحبیلی و شوم ۱۹۳۳ کان لم یکن و برای همیشه بدو رانداخته شد . قرارداد ۱۹۳۳ بابی اطلاعاتی و اغفال ملت ایران و فقط با شرکت چندین از «آلات قلم» حکومت زمان بنظروا سیر ساختن ملت ایران بسته شده بود ولی از مضار آن احدی سخن نگفته بود ، پس از شانزده سال خانه نشینی و حبس و تبعید وقتی مردم رشید تهران توانستند مرا بنیایندگی خود در مجلس چهاردهم انتخاب کنند برای اولین بار پس از یازده سال که از تصویب و اجرای آن قرارداد اسارت گذشته بود در ۲۷ آبان ۲۳ عیوب و غشهرای سیاسی و اقتصادی آن قرارداد تحبیلی را با استعفاء ملت هوشیار ایران رساندم و مخصوصاً لیرتبهائی را که سیاست استعماری انگلیس برای تعدید ۶۰ ساله امتیاز تحبیلی بگلا برده و ضرر هنگفتی که این تعدید بملت محروم و فقیر ایران میزد در همان تاریخ برای هوطنان عزیز شرح نمودم .

قرارداد تحبیلی ۱۹۳۳ ظاهره یک موافقت نامه اقتصادی بود ولی چون تکلیک مسائل سیاسی و اقتصادی در این روزگار بسیار مشکل و این دو عنصر اجتماعی یعنی خبسات و اقتصاد باهم بستگی تام دارند مسلم و آشکار بود کلیه امتیازاتی را که انگلیسها بعنوان اقتصادی در ذریع عنوان نفت گرفته بودند دائماً در راه پیشرفت سیاست استعماری خود در ایران بکار میبردند مثلاً یکی از اصول اساسی شرکت سابق که همواره با مساعدتهای دولتهای دست نشانده در ایران عمل میکرد این بود که عملیات صنعتی خود را در ایران با لیره کران و کلاگر اوزان انجام نماید تا از کلاگر کران ایرانی حد اکثر استفاده را بکنند و لیره مصرفی او در ایران بعد اقل ممکن برسد . برای پیش بردن این سیاست ، شرکت سابق در تشکیل دولتها مداخله مینمود تا آنکه وزیر دارائی زمان جنک قیبت لیره انگلیسی را بدو برابر قیبت حقیقی خود در ایران تثبیت نمود و همچنین شرکت سابق از توسعه عملیات تولیدی ، کشاورزی و صنعتی در ایران خامه در غوژستان بخرق مختلف جلوگیری میکرد تا همیشه عمده زیادی داوطلب کار بقیمت اوزان و شرایط سهل در اختیار داشته باشد باین ترتیب آن امتیاز بظاهر اقتصادی در معنی اسارت اقتصادی و اسارت سیاسی ملت ایران را در بر داشت .

وقتی سیاست استعماری اصول اعتراضات مراد مجلس چهاردهم بر ضد قرار داد مزبور شنید تصمیم گرفت با تمام قوا مانع از تجدید انتخاب من در مجلس بانزدهم گردد تا بخیال خود صدای حق ملت را خاموش سازد و قرارداد ۱۹۳۳ را از خطری که بدان دچار شده بود برهاند خامه که در نظر گرفته بود يك قرارداد جدیدی بکم مجلس قرارداد العاقی بحلقوم ملت ایران فرو کند .

### انتخابات و قرارداد نفت

ماجرای انتخابات دوره بانزدهم تهران و عملیات زشت و تقلبات علسنی که دولت وقت در آن انتخابات بدستور شرکت سابق و برای حفظ و حمایت قرارداد ۱۹۳۳ کرد برخاطر هوطنان عزیز هرگز پوشیده نیست . در اواخر همین دوره بود که قرارداد ۱۹۳۳ از طرف دولت وقت بمجلس پیشنهاد شد . حسابی را که سیاست استعماری بدادت دیرینه در نقشه خویش تکرار شده بود ملت ایران بود و همین حساب غلط خویشخانه نقشه و برا باطل ساخت زیرا چندین از عناصر ملی از داخل مجلس و این خدمتگزار با پشتیبانی قاطبه هوطنان عزیز از خارج مجلس بر ضد قرارداد العاقی قیام کردیم و مجلس بانزدهم بدون اینکه فرصت تصویب آن قرارداد را پیدا کند خامه یافت .

### دکتر مصدق در ساعت یازده ۲۹ اسفند

نطق تاریخی خود را بوسیله رادیو ایراد کرد - نخست وزیر در این نطق که یکساعت و سی و پنج دقیقه طول کشید دورنمای زنده‌ای از جریان دو ساله کار نفت در بر ابر دیدگان ملت ترسیم کرد در این نطق برای اولین بار مذاکرات اخیر مصدق - هندرسون بطور رسمی افشاء گشت .

### هموطنان عزیز م:

برای اینجانب که در جریان دو سال اخیر شاهد مبارزات مقدس و دلیرانه هوطنان گرامی بوده و بسیار او ملت در نهضتی که بنظور حفظ استقلال مملکت و قطع ابادی یکنانه از خاک باک وطن و اعاده حیثیت و عظمت و اعتلاء ایزان باستان شروع شده است سهیم بوده و بیاری پرورد کار توانا از تنبهاج حوادث مومن مانده ام جای بسی افتخار است که با ملت رشید و فداکاری که برای رهایی لایقود اسارت و گسستن زنجیرهای استعمار و حفظ استقلال کشور خود بسیار دانه داری دست زده و از هیچگونه جانبازی و فداکاری کوتاهی نکرده در چنین روزیکه مجاهدات ملت نجیب و برومند مادر او اکنون کردن بنای ظلم و ستمگری اثر خود را بوشید و در قطع ریشه های استعمار تتر خود را بسیار آورده است بگفتگو بپردازم و از حمایت و پشتیبانی کاملی که در هر مورد از این خدمتگزار شده است سپاسگزاری نمایم .

### هوطنان عزیز م

خوشوقتی اینجانب از آنجهت نیست که یکسال دیگر در میان هوطنان خود مانده ام یا چند سال دیگر هم باین من از آنجهت خرسندم که علی رغم تنابلات و تحریکات عال مزور و افسوسگر خارجی سال ۱۳۳۱ را بیایان رسانیده و چنین روز پرافتخاری را که پایه مستحکم قانون ملی شدن صنعت نفت بخوایست مردم ایزا بنا نهاده شده است درک میکنم و میتوانم گزارش اقداماتی را که نیروی اراده ملت با اینجانب محول و مسرا ما و در باقیه آن ساخته است با استعفاء ملت ایران برسانم .

### سعادت ملت و صلح جهانی

دو سال پیش در چنین روزی این خدمتگزار با اتفاق چندین از همفکران پارلانی و فقط با استمانت ازالهاام نیرو بخش ملت فداکار ایران توانست قانون ملی شدن صنعت نفت را از تصویب مجلس شورایی بگذراند . پیشنهادی را که ما در آنروز تاریخی یعنی ۲۹ اسفند ۲۹ از مجلس گذرانیدیم جامع مقاصد عالیه ایرانیان و وطن دوست و مانع مقاصد بیگانگان سود پرست بود زیرا در آن پیشنهاد اصل ملی شدن صنعت نفت ایران بدین صورت تصویب و اعلام گشته است :

« بنام سعادت ملت ایران و بنظور کنگ بنامین صلح جهانی پیشنهاد مینماییم که صنعت نفت ایران در تمام مناطق کشور بدون اشتناء ملی اعلام شود یعنی تمام عملیات اکتشاف و استخراج و بهره برداری در دست دولت قرار گیرد .  
در چنین روزی بود که بابه های اصلی تحولی عظیم در زندگانی سیاسی وطن عزیز ما که بستگی بسعادت ملت ایران و صلح جهانی دارد گلا گذاشته شد :

این حق مسلم تو بود ما خست که خست مهر لسم را ما خست انقلالی با سخ و بند

حال  
را در  
۱۳۴۱  
۱۳در  
ید  
خت  
نایش  
زید  
۱۳۴۶  
زهای  
شاه  
رونده  
ایات  
مصمم  
ی در  
گاه  
سامی  
ود که  
ایش  
ت  
ساز  
ان آمد  
آنان  
و راه  
شمانه  
م  
سزانه  
ان را  
کنکنه  
و نوع  
کنکنه  
ن شاه  
و بعد  
سیگری  
نیود  
دادگاه  
ساز هم  
کیریش  
جلادان  
اه نبود  
سرات  
را ترک  
منطق  
یکسال  
این در  
همه  
ستو  
انخساز  
یم

### دکتر مصدق در ساعت یازده ۲۹ اسفند

سیاست استعماری که منجر رد قرارداد الحاقی و باره کشتن التزامنامه ۱۹۳۳ را بر لرزه افتادتر میبافت با پشت هم اندازیهای مخصوص به حکومت اختناق را بر مملکت مسلط ساخت تا انتخابات دوره شانزدهم هم بدست آن حکومت انجام گردد، حکومت مزبور هم بوظیفه سرسبزیدگی خویش عمل کرد و انتخابات تهران را در میان دریایی از قلب و فساد و جمل و تزویر و دسیسه شروع نمود ولی مردم رشید تهران با این انتخابات رسوا بغالفت و مقاومت برخاسته بطوریکه انتخابات در حین قرائت اوراق از طرف انجمن مطابقت که تحت فشار افکار عمومی قرار گرفته بود باطل گردید.

در این هنگام بر بیداری و مراقبت مردم در حفظ حقوق اساسی خویش افزوده گشت بطوریکه پس از تجدید انتخابات مردم تهران توانستند چندین از نمایندگان حقیقی خود را که عضو جبهه ملی بودند به مجلس شانزدهم روانه کنند و موفقیت عظیمی که دو سال پیش در چنین روزی در راه باره کردن التزامنامه ۱۹۳۳ نصیب ملت ایران گشت نتیجه میراث آنها و فداکارهایی بود که عامه طبقات ملت ایران بوسیله تشکیل اجتماعات در آن شرکت داشتند.

نخستین عکس العمل شرکت سابق در برابر تصویب اصل ملی شدن صنعت نفت برآمده از سخن اعتراض فروردین ۳۰ در بندر مشور و آبادان و مسجد سلیمان بود، که طی آن چندین از کارگران معوم ورنجبر ایرانی کشته یا مجروح شدند.

#### چرا نخست وزیری را قبول کردم؟

در همان موقع که شرکت سابق مشغول ناپوش عکس العمل خود در برابر اصل ملی شدن صنعت نفت بود اینجانب با اتفاق همکاران خود در کمیسیون نفت مشغول تهیه قانونی جامع برای طرز اجرای اصل ملی شدن صنعت نفت بودیم و آنرا در ماده تهیه و مجلس پیشنهاد کردیم، قبل از اینکه این قانون در مجلس مطرح شود بعضی از آقایان نمایندگان در جلسه خصوصی مجلس شانزدهم پیشنهاد قبول نخست وزیری بن کردند و این خدمتگزار که با اینان راسخ بپایاد تحولی بزرگ در زنده گانی سیاسی، هم وطن عزیز قانون طرز اجرای ملی شدن صنعت نفت را پیشنهاد کرده بودم با وجود کسالت و ناتوانی مزاج و آگاهی نامرتب بر مشکلات و معاطرات، این پیشنهاد را پذیرفتم تا کونین در بیان که از قبول مسئولیت آنهم در راه حصول آمال ملی گریز آنم و فقط شرط قبولی خود را این قرارداد که پیشنهاد ما را در مجلس طرز اجرای ملی شدن نفت از تصویب مجلس بگذرد، زیرا اگر قبل از تصویب آن قانون نخست وزیری را می پذیرفتم این خطر در میان بود که تصویب آن قانون در مجلس دچار مشکلاتی شود و در بلا تکلیفی بماند و دست من هم با قبول نخست وزیری از حربه ناپوش عکس العمل مردم کوتاه گردد و نتوانم آن قانون را در مجلس تصویب کنم و شاید به علت پیشنهاد نخست وزیری به من در آن لحظات دقیق و حساس همین بود، در هر حال در ۹ اردیبهشت ۳۰ قانون ماده طرز اجرای ملی شدن صنعت نفت از تصویب مجلس گذشت و اینجانب از روز دهم اردیبهشت رسماً مسئولیت نخست وزیری را برتبارا بپذیرفتم.

اکنون که دوسال تمام از قانون اعلام ملی شدن صنعت نفت میگذرد. با وجود آنکه در هر موقع فرصتی دست داده است هموطنان عزیز در جریان اقدامات و نظریات دولت گذاشته ام میفرماید مجدداً بطور اختصار مراحل سخت و دشواری را که در این مدت با تأیید و پشتیبانی مستور و مداوم هموطنان عزیز در راه اجرای این قانون پیوده ام بر عرض شما برسانم.

#### نخستین مرحله دشواری اولین جریان مذاکره:

نخستین مرحله دشواری اجرای قانون مزبور اجرای ماده دوم آن در باره حلقه بکار انداخته بود که از عمل خلع بد جلوگیری نماید با اطلاق عمل خلع بد را باین سلسله معاملات و پیش آمدهای نامطلوب مقرون گرداند، و بلا و در ماه دوم و هفتم قانون مسائلی پیش بینی شده بود که برای اجرای کامل قانون مزبور مذاکراتی با شرکت سابق لازم بنظر میرسد غامه که در همان اوقات هم شرکت اظهار تمایل بنجام چنین مذاکراتی کرد این بود که در ۸ خرداد ۳۰ از شرکت سابق دعوت گردید نمایندگان خود را برای مذاکره معرفی کنند و در همان دعوت نامه قید شد که مذاکرات در حدود اجرای قانون ۱۰ اردیبهشت خواهد بود تا از این راه تسهیلاتی در انجام عمل خلع بد بدست آید. ولی این هیئت که بر ریاست جاکسون معرفی شده بود پس از چند جلسه مذاکره و گفت و شنود در جلسه ۲۸ خرداد ۱۳۳۰ پیشنهادهایی به هیئت ناپوش عکس العمل ایران که مرکب از نمایندگان هیئت مختلط نفت و نمایندگان دولت بودند داد که بکلی با قانون ملی شدن نفت متناقض بود و بیازبهای کسود گانه بیشتر شباهت داشت زیرا در ضمن یک سلسله نقل و اتصالات لفظی و موردی خواسته بودند وضع سابق را تثبیت نمایند. چون با این ترتیب سوء نیت شرکت سابق در جلوگیری از عمل خلع بد مسلم گشت دولت اجراء تمام و تمام قانون را مستقلاً بدست گرفت و بلافاصله یعنی در ۲۹ خرداد ۳۰ دستور اجرای خلع بد را بنمایندگان خود در آبادان مخابره نمود. خوشبختانه در نتیجه مراقبت مأمورین دولت و نمایندگان هیئت مختلط نفت که مخصوصاً از طرف آن هیئت برای همین امر بخوزستان اعزام شده بودند و با پشتیبانی و همکاری کامل قاطبه کارگران و کارمندان مناطق نفت خیز و اهالی وطن پرست خوزستان عمل خلع بد باموفقیت در خشان و بدون اندک وقفه و پیش آمد سوسلی انجام گردید.

اگر در انجام این مرحله از هنگ چتر باز قیاس و آسمن رزمناوهای انگلیسی در مقابل آبادان اسی نمی برم برای این است که ملت رشید ایران در بیگانه سخی برای نجات حیات سیاسی و اقتصادی خویش پیش گرفته بود همان موقع هم از این اقدامات هراسی بدل راه نمیداد و برای آن کوچکترین ارزشی قائل نیگشت با این حال برای اینکه در حین خلع بد هم حسن نیت خود را علان نشان دهیم دو مقصد اساسی را مورد توجه خاص قراردادیم یکی آنکه ترتیبی بدیم که جریان نفت ایران بیازبهای آزاد جهان قطع نگردد دیگر اینکه از تجربه و سابقه کارشناسان واقعی نفت که تبحر بخارج بودند در گرداندن این دستگاه عظیم استفاده کنیم برای تأمین ایمنی نفت منظور بود که پیشنهاد کردیم نفتکش های شرکت سابق که برای بارگیری نفت با آبادان و بندر مشور میآیند فقط رسیدی بدهند دوازده روزه نفت محموله خود را از شرکت ملی نفت ایران دریافت کرده و بعداً حساب آنرا وار بفرمایند.

دوم اینکه از هموم کارشناسان خارجی دعوت کردیم که با ما هم مشورت بفرمایند که داشته اند بوجب قرارداد های استعماری افرادی بخدمت شرکت نفت میآیند و بخدمات خود ادامه دهند ولی متأسفانه شرکت سابق با این دو پیشنهاد منطقی ما نیز از دستخیزه داخل شد.

از یکطرف نفتکش های خود را از دادن چنین رسیدی منع کرد و از طرف دیگر کارشناسان را از اینکه بخدمت شرکت ملی نفت در آید بمنزله داشت این بود که ناچار تحویل نفت به نفتکش های شرکت سابق موقوف گردید و کارشناسان هم از ادامه کار در مؤسسات نفت ممنوع گشتند.

در همان اوقات که ما گرفتار انجام خلع بد در ایران بودیم دولت انگلیس برای جلوگیری از اجرای خلع بد بنمایان بین المللی دادگستری لاهه شکایت کرد و با اینکه دولت ایران اعلام داشته بود صلاحیت دیوان را برای دخالت در قضیه نفت ایران منکر است دیوان مزبور در ۱۵ خرداد ۳۰ قراردی بمتوان اقدامات تأمینیه برای جلوگیری از اجرای خلع بد که دولت شروع بآن نموده بود صادر کرده و رئیس جمهور سابق آمریکا نیز ضمن نامه ای اجرای آن قرارداد را با بران توصیه نمود. البته دولت ایران با اقبال را پشت در کرد و چنانکه مبدائید دیوان لاهه ضمن رای نهائی خود که در ۳۱ تیرماه ارسال صادر کرد آن قرارداد را نرسخ نمود.

#### کفتر انس صاحبقرانیه

در ۱۷ تیرماه ۳۰ رئیس جمهور سابق کشورهای متحده امریکا بوسیله سئیر کیبر خود در تهران با اینجانب اطلاع داد که برای پیدا کردن راهی جهت حل اختلاف نفت در نظر دارد تا قای هر بین را بنیایدگی مخصوص خود برای مذاکره با ایران روانه سازند اینجانب جواب دادم در صورتیکه این مذاکرات حلی منی ما را مطابق قوانین ملی شدن صنعت نفت محفوظ بدارد در انجام آن مانهی نمی بینم.

در ۲۳ تیرماه ۳۰ ایشان وارد تهران شدند و بلافاصله مذاکرات بین ایشان و نمایندگان دولت و نمایندگان هیئت مختلط نفت آغاز گردید و نتیجه مذاکرات در جلسه مشترک هیئت وزیران و هیئت مختلط مورخه ۳۰ تیرماه ۳۰ بصورت چهار ماده در آمده که خلاصه آن این است.

هرگاه دولت انگلیس بکالات از طرف شرکت سابق اصل ملی شدن صنعت نفت ایران را بر طبق ماده واحده مصوبه ۲۹ اسفند ۲۹ که استخراج و اکتشاف و بهره برداری مادن نفت را در دست دولت قرارداد است بپذیرد دولت ایران حاضر خواهد بود برای حل اختلاف نفت با نمایندگان انگلیس بکالات از طرف شرکت سابق نفت وارد انگلیس شود و چون سفارت انگلیس در ماه رسی ۱۸ مراده ۳۰ پیشنهاد دولت را در باب قبولی اصل ملی شدن صنعت نفت دولت آمادگی خود را برای شروع مذاکره با هیئت ناپوش عکس العمل اعلام داشت و هیئت ناپوش عکس العمل در ۱۲ مرداد ۳۰ بر ریاست استوکس سردار سلطنتی وارد تهران شدند و پس از چند جلسه مذاکره هیئت ناپوش عکس العمل در ۲۱ مرداد ۳۰ پیشنهاد های خود را طی ۸ ماده به هیئت ناپوش عکس العمل ایران تسلیم نمود ولی در این پیشنهاد عملاً از نتیجه عملی ملی شدن صنعت نفت انحراف حاصل شده و میخواستند شرکت سابق را تحت عنوان بن جدیدی با مناسبت سازمان عامل و سازمان خرید و باره بر کرده مؤسسات نفتی مسوا رکنند و بوسیله این سازمان های نوظهور فقط صدی پنجاه از درآمد نفت بدولت ایران برسد و بلا و باز هم انحصار فروش نفت ایران اعلامیست مؤسسات انگلیسی بینه و در آخر کار هم صحبت از زمین بک مبرکل انگلیسی برای اداره عملیات استخراج و تصفیه نفت کردند که البته هیچک از آنها چون با قوانین ملی شدن صنعت نفت سازگار نبود مورد قبول و توجه واقع نگردید و پیشنهاد ۸ ماده ای از طرف ناپوش عکس العمل مسترد گردید.

به هیئت ناپوش عکس العمل گفته شد که چون اصل ملی شدن صنعت نفت را بر طبق ترمیم قانونی ۲۹ اسفند ۲۹ دولت انگلیس از طرف خود و شرکت سابق بپذیرند است دولت حاضر است فقط در مورد فروش نفت و استفاده از کار شناسان و چگونگی تعیین و پرداخت غرامت مذاکره کند.

#### با قبول اصل ملی شدن نفت قرارداد ۱۹۳۳ از میان رفت

از روشی که هیئت ناپوش عکس العمل در روزهای آخر اختیار کرد معلوم بود تمام قصد انگلیسی از دادن این پیشنهاد های غیر عملی آن بود که دولت و ملت ایران را بر اثر فشار اقتصادی و مشکلات داخلی خسته و مأیوس گرداند تا این دولت جای خود را بدولتی بدهد که مطابق میل آنها و بنفع آنها قرارداد ای امضاء کند و چون این منظور حاصل نشد هیئت ناپوش عکس العمل و آقای هرین که واسطه مذاکره بودند.

در ۳۱ مرداد و اول شهریور ۳۰ از تهران رفتند و نتیجه عملی که از مذاکرات منته باین آقایان بدست آوردیم همان قبول اصل ملی شدن نفت از طرف شرکت سابق دولت انگلیس بود که خود این قول را بطبیع التزامنامه ۱۹۳۳ (و خسارت عدم النفع ادعائی بابت باقیمانده مدت قرارداد تعیلی ۱۹۳۳) را از میسان برد و چون دولت بغوی حس میکرد که مانند کارشناسان انگلیسی با وضعی مبهم اسباب ناراحتی کار کتان شرکت ملی نفت و اهالی خوزستان میشود و در همین حال مانع آست که مشتریان از کتبرهای دیگر برای خرید نفت با بران مراجعه کنند تصمیم بنقاومت در مقابل کار تکنیکی شرکت سابق و دولت انگلیس گرفت و لغو جواز اقامت کلیه کارشناسان انگلیسی در جلسه مشترک اول مهر ۳۰ هیئت وزیران و هیئت مختلط تصویب رسید و متعاقب آن در ۲۷ مهر ۳۰ به هیئت مدیره دولت شرکت ملی نفت ایران در کوشش دستور داده شد که جواز اقامت کلیه کارشناسان انگلیسی از طرف ادارات مربوطه لغو شود و در ظرف یک هفته خاک ایران را ترک گویند و همینطور هم عمل و اجرا گردید.

بطوریکه هموطنان عزیز بلا ملاحظه فرمودند دولت در راه حصول با آرزوهای ملی در اجرای قوانین ملی شدن صنعت نفت مواجعه با چه مشکلات و سرسختی ها و کار شکنی های حریف بود.

ولی از آنجا که اطمینان داشت ملت رشید و دلیر ایران که پس از یکصد و پنجاه سال تحمل انواع محرومیت ها و فشارهای کوناگون خارجی تصمیم گرفته است خود را برای هیئت از زیر بار این نوع فشارها بدر آورد دولت هم که جز بر آوردن آمال ملی مقصود و منظوری ندارد از این روح شایان تجلیل مردم همواره الهام میگرفت و هر اندازه در برابر خود مشکلات و موانع جدید میدید بر نیات و بایبدهای خود میافزود و یک قدم بجلومیرفت چنانکه در ظرف مدت پنج ماه عمل خلع بد از شرکت سابق با وجود آنهمه موانع و معاطرات با استناد از تیری و مقاومت بخش ملی بنام معای کله بنجام رسانید و کلیه کارشناسان انگلیسی را از خاک وطن خارج گردانید.

#### در شورای امنیت چه گذشت؟

اما حریف سچ از برای نه نشست و در روز ششم مهر ۳۰ یعنی چهار روز پس از رسیده که دولت انگلیس از اقدامات دولت ایران در راه اجرای قوانین ملی شدن نفت شکایت بشورای امنیت سازمان ملل نموده است و دولت ایران را که دلیل نداشت در اختلاف نفت با دولت انگلیس طرف مذاکره و بحث فرار گیرد وارد مملکت دیگر ساخت و مرحله تجدیدی را در راه تجدیدی ایران آغاز کرد ولی دولت باین اصل اساسی توجه داشت که ملتی که میخواهد با شرف و افتخار زندگی کند و حقوق سخته خویش را بدست آورد باید در برابر مشکلات ایستادگی نماید و از این تهیهها بیم هراس بغود راه ندهد این بود که با تأییدات الهی و پشتیبانی انبیکار عمومی تصمیم گرفتیم تا اصول بهدف نهائی از برای نشینیم و بلافاصله برای جواب گزینی دولت انگلیس عازم شورای امنیت شدیم و در ۲۱ مهرماه ۳۰ در جلسه شورای دلائل دولت ایران را در رد صلاحیت شورای امنیت بنفصیل بیان نمودیم.

ضمناً از مرمغ استفاده شده سوابق کار نفت و معضالش شرکت سابق و مداخله عیان



دولت از شرکت سابق و خسارانی که شرکت سابق و دولت انگلیس بدولت ایران وارد آورده بودند طی شش فقره اعلام گردید و مخصوصاً تأکید شده که لازم است در پرداخت دیون شرکت سابق بدولت ایران بر اساس ترازنامه خود شرکت تسریع شود و در همین حال تذکر داده شده که دولت ایران حاضر است برای بیدار کردن راه حلی در حدود قوانین ملی شدن صنعت نفت وارد مذاکره شود و همچنین شرکت سابق میتواند در این باب بحاکم صالحه ایران مراجعه نماید

دولت با ارسال این یادداشت انتظار داشت که دولت انگلیس وضع و حیم اقتصادی ایران را تشخیص دهد و از معارضه اقتصادی که برخلاف موازین بین المللی نسبت بایران ایجاد کرده است دست بکشد و شرکت سابق پرداخت فوری دیون خود را قبول نماید و برای تصفیه قرامت بدولت یا بحاکم ایران مراجعه کند ولی دولت انگلیس و شرکت سابق بجای تسلیم باین انتظارات معقول و حقه مجدداً بیسیاست دفع الوقت متوسل شدند و مدت ها گذشت جواب دولت ایران نرسید بطوریکه اینجانب مجبور شدم بار دیگر بساینده دولت انگلیس یادآوری نمایم بالاخره در ۸ شهریور ۳۱ سفیر کبیر امریکا و کاردار انگلیس متفقاً نزد من آمده و پیام مشترکی را از جانب رئیس جمهوری سابق امریکا و وزیر چربل نخست وزیر انگلیس باینجانب تسلیم کردند و معلوم شد که این پیام مشترک جواب یادداشت ۱۶ مرداد دولت میباشد، در ضمنی پیام مشترک پیشنهاداتی در باره طرز تصفیه قرامت و رفع تعقیقات از جبهه ایران در لندن وجود داشت که بطور کلی قابل قبول نبود و با قوانین ملی شدن صنعت نفت تطبیق نمیکرد و بلاوه تحبیلات جدیدی برای دولت و ملت ایران دربرداشت و از مجموع پیام چنین استنباط میشد که برای دولت انگلیس این تصور باطل آئمه که در نتیجه فشار معارضه اقتصادی آندولت کشور ایران بان درجه از استیصال رسیده که تن بقبول هرگونه شرایطی بدهد در صورتیکه ملت ایران هرگز بشرایطی که با استقلال سیاسی و اقتصادی و بشرفات ملی آن سازگار نباشد ندر نخواهد داد.

جواب پیام مشترک ۲۲ مهر ۳۱ متضمن توضیحات و دلایل کافی نسبت بملک و جهات عدم قبول آن پیشنهادات داده شد و برای اثبات حسن نیت دولت در حل اختلاف ضمن درخواست توضیحاتی بنظور رفع ابهامات موجود پیشنهاد متقابلی بامشورت هیئت مختلط راجع بشرفات و اساس رسیدگی بمعای طرفین تعیین خسارات و پرداخت قبلی و علی الحساب ۴۹ میلیون لیره دین شرکت سابق بدولت ایران داده شد.

در ۱۳ مهر ۳۱ از طرف وزیر امور خارجه انگلیس و امریکا در سبب پیام مشترک توضیحاتی رسید ولی از پیشنهاد های متقابل دولت ایران اسنی برده نشد و معلوم گردید که باز هم دولت انگلیس خواهان حل اختلاف نیست و قسیدارد دفع الوقت بگذازد

باین جهت در ۱۵ مهر ۳۱ یادداشت معضومی بعنوان وزیر امور خارجه انگلستان از طرف دولت فرستاده و از شرکت سابق دعوت شده که با پرداخت بیست میلیون لیره از دیون خود بطور علی الحساب در ظرف یک هفته، متقابلاً بایران خود راجعت مذاکرات در حدود پیشنهاد های متقابل دولت ایران بشیران اعزام دارد و در پایان همین یادداشت مخصوصاً قید شده که دولت ایران هواره عواطف سوره از مساطله و تأخیر در حل سریع و قطعی اختلافات را متذکر گردیده است و اکنون هم ۵ امکان ادامه این خسارتا مجدداً یادآوری و مستولیت هرگونه پیش آمدی را که در نتیجه تعقیب ایشروس بوجود آید متوجه خود نمیداند.

در ۲۲ مهر ۳۱ سفارت انگلیس در تهران جواب یادداشت دولت را فرستاد و در این جواب بود که دولت انگلیس بر اثر بافشاری دولت در پیش بردن پیشنهادات متقابله خود مجبور گردید برده از روی مقاصد غیر قانونی و سورد جوانه خود بردارد و صراحتاً از بابت بقیه سالهای امتیاز تحبیلی ۱۹۳۳ درخواست قرامت نماید و مطالبات حقه ایران را از شرکت سابق چه از بابت چهارده میلیون لیره چه از بابت خساراتی که بر اثر جلوگیری از فروش نفت ایران در خارجه بایران وارد آورده انکار کند.

**موجبات قطع رابطه با انگلیس:**

از آغاز ملی شدن نفت یعنی از ۲۹ اسفندماه ۲۹ روش شرکت سابق نفت و دولت انگلیس بر این استوار گردیده که در برابر آمال ملی و نیات خیر خواهانه دولت ایران مقاومت نمایند و از حل مشکل نفت جلوگیری کنند باین امید که در نتیجه این مقاومت ملت و دولت ایران را خسته و مایوس از موفقیت گردانند.

دولت ایران حسن نیت خود را در کار نفت تا آن درجه ظاهر گردانید که حاضر شد در مقابل رسید تفکشیهای شرکت سابق نفت بدهد و کارشناسان را بانام حقوق و مزایای اصلی خود نگاهدارد ولی دولت انگلیس در هیچ موردی نخواست از این حسن نیت دولت ایران استفاده کند و در طی این دو سال که از آغاز اختلاف نفت میکند و رویه ای پیش گرفت که باشرایط دوستی و همکاری میان دول سازگاری نبود و سرانجام دولت ایران خود را مجبور دید رابطه ای را که موجبات تحریکات داخلی را فراهم میساخت قطع کند.

در ۳۰ مهر ۳۱ وزارت امور خارجه طی یادداشتی تصمیم قطع رابطه سیاسی دولت با سفارت کبری انگلیس در تهران اعلام نمود و متذکر گردید دولت انگلیس در قضیه نفت که برای ملت ایران امر حیاتی است نه تنها کمک بجل اختلافات نکند بلکه در صدها صحت غیر قانونی از شرکت سابق برآمد و مانع از حصول توافق گردید ششامه که مامورین سیاسی دولت انگلیس هنوز در ایران منشاء آراه ای تحریکات و مداخلات در امور داخلی میباشند و هر موقع دولت انگلیس بکلیفیت و حقیقت نهفت و آرزوهای ملت ایران بی بردن نیت پیچیدید روابط سیاسی اقدام خواهد کردید.

این بود جریان کار نفت تا روز ۲۴ مهرماه ۳۱ که گزارش اخیر اینجانب به مجلس شورایی تقدیم شد.

در پایان آن گزارش عرض کرده بودم که قطع روابط سیاسی دولت ایران با دولت انگلیس مستلزم قطع علائق دوستی بین دو ملت نیست زیرا ملت ایران همیشه بملت انگلیس بدیده احترام تکریمه و امیدوار است که زمامداران آن دولت نیز اندکی بیشتر بقضایق اوضاع فعلی جهان و بیداری ملل توجه کنند و از روشی که تا امروز معمول داشته اند منصرف شوند و سیاست خود را با وضع دنیای امروز منطبق سازند تا مللین انگلیس و ایران بتوانند بوسیله تجدید مناسبات سیاسی از روابط دوستی و و داد بر خوردار شوند.

**جریان مذاکرات اخیر با سفیر کبیر امریکا:**

پس از آن تاریخ دولت امریکا بوسیله سفیر کبیر خود جناب آقای هنترسن علاقه خود را بادامه مذاکرات بنظور بیدار کردن راه حلی بسیاری رفع اختلافات مکرر ابراز کرده و دولت ایران نیز امیدوار بود که از این طریق راه حل منصفانه ای که برای طرفین قابل قبول میباشند پیدا شود.

مذاکرات جناب سفیر کبیر و اینجانب بیشتر در باره دو موضوع بود: اول قطع و فصل دهادی دولت ایران و شرکت سابق نفت دوم فروش نفت ب خارج بقصداری که دستگانه نفت آبادان را کاملاً بکار اندازد.

اینکه در باره هر یک از این دو موضوع توضیحاتی داده میشود:

۱) در موضوع دهادی شرکت سابق راجع بشرفات و دهادی متقابل دولت

آزاد و مورد داخلی ایران و غارت عواید نفت و محروم نگاه داشتن ملت ایران از حداقل زندگی و عرم راسخ ملت و دولت ایران را دولتی که بگری از مداخله خارجیان در امور داخلی ایران از منبر بنطق شورا بیسج جهانیان رسانیدیم و شورای امنیت پس از پنج جلسه بحث و مذاکره در جلسه ۲۶ مهرماه ۳۰ تصمیم گرفت که موضوع نفت را تا زمانیکه دیوان بین المللی دادگستری لاهه راجع بمساجت خود اظهار نظر ننشود است مسکوت بگذارد و با این ترتیب دولت انگلیس از ارجاع کار بشورای امنیت هم نتوانست نتیجه مورد نظر خود را که تسلیم ساختن ملت او دولت ایران باشد بگیرد و همچنان مقاومت ملت ایران با نیروی بیشتری ادامه یافت.

**مذاکرات در آمریکا بانگ بین المللی:**

دعوت رئیس جمهور سابق کشورهای متحده آمریکا از من و مذاکره انیکه در اولین جلسه ملاقات راجع بنفت مشورت گرفت مجدداً فرصتی بوژارت امور خارجه آمریکا داد که منظور هر بین را دوباره دنبال کند یعنی واسطه مذاکرات میان ما و انگلیس را برای حل اختلاف نفت کردند و من هم که جز اجرای قوانین ملی شدن نفت و تأمین منویات ملی نظری نداشتیم حاضر بادامه مذاکرات گفتم و این مذاکرات در وقت بیست و پنج روز که اینجانب در واشنگتن بودم بوسیله معساون وقت وزارت خارجه آمریکا جریان یافت ولی این مذاکرات هم که مصادف با روی کار آمدن حزب چربیل در انگلستان شده بود و در آن دولت حسن نیتی وجود نداشت بجای نرسید و در روزهای آخر توقف در واشنگتن معساون بانگ بین المللی توسعه و ترمیم برای بکار انداختن منابع نفت نزد من آمده و اظهاراتی نمود، جواب من بطور خلاصه این بود که اگر از بکار گشایش کارشناسان انگلیسی خودداری کنید و قیمت نفتی راهم که از طرف ما میخواید بفرشید قلاً معلوم سازی ممکن است از مذاکرات ما نتیجه گرفت.

قرار شد بانگ در این باب مطالعات خود را بکند و نظریات خود را بدولت ایران اطلاع دهد.

تقریباً چهار روز پس از بازگشت من از آمریکا بتهران بانگ بین المللی توسعه و ترمیم نامه ای در ۱۰ دیماه ۳۰ بوسیله دو نفر از کارمندان خود در تکمیل آن مذاکرات فرستاد ولی دوبینهاد های بانگ نکات مهمی راجع بشمولیت اداره مؤسسات نفت و حدود اختیارات بانگ و قرارداد صدور کلی نفت و از آن مهتر برای تقسیم وجوه حاصل از فروش نفت بین خریدار کلی و ایران و بامانت گذاشته شدن قسمتی از آن در نزد بانگ وجود داشت که قابل قبول نبود و باین جهت در جوابی که به پیشنهاد مزبور داده شد در عین خواستن توضیحات تذکر داده شده که پیشنهاد های بانگ با مذاکرات ما در واشنگتن منطبق نیست و خارجه از اصول مذاکرات واشنگتن مغایلی در آنست که محتاج بتوضیح است نمایندگان بانگ پس از دریافت این جواب با امر بکار رفتند تا نتیجه مطالعات خود در تهران و آبادان را باینکار گزارش دهند.

در ۱۵ بهمن ۳۰ تلگرافی از آقای کارتر معساون بانگ بین المللی رسید که تصمیم دارد برای ادامه مذاکرات با تفاق هیئت بشیران بنیاید دولت با آن هیئت نمایندگی بانگ موافقت کرد و در ۲۲ بهمن ۳۰ هیئت مزبور وارد تهران شدند و دولت هیئت را انتخاب و مامور نمود که با هیئت نمایندگی بانگ مذاکره نمایند پس از چندین جلسه مذاکره که تا ۲۵ اسفندماه ۳۰ ادامه داشت معلوم شد که پیشنهاد های نمایندگان بانگ بقوانین ملی شدن صنعت نفت مطابقت ندارد زیرا بانگ بسیاری بخدمت کارشناسان انگلیسی در مؤسسات نفت جنوب اصرار میوزید و بلاوه بیخواست بدون در نظر گرفتن وضع حقوقی که از انجام عمل خلع بد نتیجه شده عمل بهره برداری از مؤسسات نفت جنوب را بیده گرفته و اداره نماید.

نسبت بقیمت نفت خام و نفت تصفیه شده نیز بانگ پیشنهادهایی میداد که در نتیجه آن بیش از پنجاه درصد عایدات سهم دولت تنگت کشید لذا این مذاکرات هم که کار کشنی حریف در آن نقش مؤثری داشت بجایی نرسید.

**تصمیم جدید بمشاورت و فداکاری:**

پس از اینکه معلوم شد بانگ بین المللی بیطرف هم خود را با اصول حقوق بین المللی آشنا نسکتند و دول بزرگ هم منافع خود را بهر پیش آمدی ترجیح میدهند باین نتیجه رسیدیم که ملت ایران برای پیش بردن مقاصد ملی خود باید پیش از اینها فداکاری کند و اینجانب نظریات خود را ضمن یک برنامه ششماهه ای در ۲۳ فروردین ماه ۳۱ که متضمن اصلاحات بودجه ای و اداری و افزایش سریع تولیدات کشاورزی و صنعتی و صرف نظر کردن از درآمد نفت بود با نمایان نمایندگان دوره هفدهم در میان گذاشتم

**در دیوان لاهه چه گذشت؟**

و چون چند روز بعد اطلاع رسید که دیوان بین المللی دادگستری ۱۹ خرداد ۳۱ را برای رسیدگی بر مصالح شرکت سابق و دولت انگلیس بر علیه ایران تعیین وقت کرده است با مشورت هیئت مختلط نفت مشغول تهیه اسناد و مدارک لازم شدیم و چون دولت انگلستان میکوشید برخلاف حق ایران را بووازین و اصول بین المللی بن اعنتا نشان دهد و برای ما برونه بسازد تصمیم گرفتیم که خصما در دیوان لاهه حاضر شویم و دلایل خود را دایر بر عدم صلاحیت آن دیوان عرضه بداریم و بهیئت نیت در اول ایل خرداد ماه ۳۱ به هیئت عالی لاهه گفتم: پس از مداخلاتی که در دیوان لاهه صورت گرفت بنظر مرسید دولت انگلستان از جریان کار ما متنبه شود و دست از مداخلات خود بکشد و دستنی ملت ایران را بر منافع ملی خود در جیان دهد و بینه تسلیم ملت ایران را از گوش خود بکشد ولی منصفانه بازم عهد و ولجای این دولت چنانکه شیوه دهرین آنت است ادامه یافت و آنچه معلوم شد این بود که دولت انگلیس پس از آنکه حس کرده از مراجع بین المللی برای بیکرسی نشانیدن دهادی باطل خویش نمیتواند نتیجه ای بدست آورد سعی دارد در داخل کشور دست تحریکات زده و از این راه نظریات خود را عملی سازد و باین جهت بود که وقتی در ۳ تیر ۳۱ از لاهه بشیران آمدیم کشور عزیز بزرگ آفشته و آنرا صحنه ای از تحریکات سخت عمال اجنبی بر ضد دولت یافتیم و در ۲۹ تیرماه ۳۱ یعنی موفقیت قضات لاهه مشغول شور و در تپه رای خود بودند.

ناچار بکناره گیری از کار کشتم ولی مردم دلیر ایران در ظرف تپهار روز که از استغای من گذشت در تهران و شهرستانها چنان احساساتی نشان دادند که منبر به قیام ملی ۳ تیر گردید و این خدمتگزار بحکم افکار عوسمی دوباره مستولیت امور مملکتی را بعهده گرفتیم و روز بعد رای دیوان لاهه بحقیقت ملت ایران اعلام گردید و خوشبختانه در این مرحله هم حق و عدالت پیروز شد و دیوان لاهه مناسبی دولت انگلیس را در وانسود کردن عدم حقانیت ایران نقش بر آب ساخت و با این ترتیب در روز شنبه ۲۱ دوشست بیای بیکی در تهران دوموی در لاهه بیسیاست استمداری انگلیس در ایران وارد گردید.

**روح پیام مشترک چه بود؟**

رای دیوان بین المللی دادگستری لاهه یکی از فتوحات درخشانی بود که در مبارزه نفت نصیب ملت ایران شد و موفقیت حقوقی و بسین المللی ما را در اختلاف نفت استوارتر ساخت و بهیئت جهت بود که انتظار میرفت دولت انگلیس دست از حجاج و عتاد بردارد و نسبت بجل اختلافات

